

# ادبیات ژاپن و شکوفه‌ی گیلاس

ناهوکو-تاواراتانی

ناهوکو-تاواراتانی به نسبتِ فارسی‌دانانِ بیگانه فارسی را خوب می‌داند و خوب می‌نویسد. متن زیر عین خط و انشای اوست. کِلک از همکاری ایشان همواره استقبال می‌کند.

شکوفه‌ی گیلاس یکی از مهمترین متیف‌های ادبیات ژاپن بوده و هست. شعرا و نویسندگان نامدار و گمنام آثار بی‌شماری روی این مایه‌ی اصلی خلق کرده‌اند. در ژاپن باستان سه متیف عمده در اشعار وجود داشت: yuki (برف)، tsuki (ماه) و hana (گل). با اینکه hana اسم خاص یک گل نیست، در آثار ادبی قدیم و معاصر اکثراً به شکوفه‌ی گیلاس اطلاق می‌شد و می‌شود. البته غیر از شکوفه‌ی گیلاس، گل‌های متعدد در شعرها سروده شده و می‌شوند. مثلاً گل داوودی، شکوفه زردآلو، یاس بنفش و غیره. اما اینها با قید کردن اسم خاصشان به کار می‌روند. گل داوودی را به زبان ژاپنی kiku و یا kiku-no-hana، شکوفه زردآلو را ume و یا ume-no-hana و یاس بنفش را fuji و یا fuji-no-hana می‌گویند. وقتی در نظم یا حتی گاهی در نثر فقط کلمه‌ی hana مورد استفاده قرار می‌گیرد، مقصود نویسنده شکوفه‌ی گیلاس است. می‌توان گفت عمومیت شکوفه‌ی گیلاس در ژاپن با گل سرخ (گل محمدی) در ایران یکی است. در این مقاله با مثال زدن از آثار ادبی ژاپن، به سبب‌هایی که شکوفه‌ی گیلاس داراست اشاره می‌کنم.

## ف: شکوفه گیلاس — سمبل شکوفایی و اوج

شکوفه گیلاس، وقتی به حد کمال می‌رسد، بسیار تماشایی می‌شود. اگر درختان گیلاس متعددی در کوهی یا در محلی کاشته شده باشد، رنگ ملایم آن (صورتی کم‌رنگ) مدام کوه و محل را در بر می‌گیرد. از این جهت از زمان قدیم شکوفه گیلاس را به عنوان زهر اوج و شکوفایی در شعر به کار می‌بردند. نقطه اوج و تعالی در موضوعات و موارد گوناگون (مثلاً اوج یک کشور، تعالی یک انسان، اوج زیبایی و غیره) همیشه توسط شکوفه گیلاس بیان می‌شد و تشبیه کردن آن به شکوفه گیلاس بهترین و بالاترین ستایش به شمار می‌آمد.

در «مانیوشو»<sup>۱</sup> آمده است:

پایتخت ما — نارا — هم اکنون

مثل شکوفه گیلاس

در اوج شکوفایی ست.

در «کوکینشو»<sup>۲</sup> شعر زیر را پیدا می‌کنیم:

تا چشم کار می‌کند

پایتخت را درختان بید و شکوفه‌های گیلاس پر کرده

یک پارچه زربافت بهاری بافته شده است.

در نثر هم می‌توان مثال را پیدا کرد. «گنجی مونوگاتاری»<sup>۳</sup>، یکی از شاهکارهای ادبی ژاپن در قرن یازدهم میلادی می‌باشد. موضوع این داستان سرگذشت یک شاهزاده و فرزندان وی است. در این داستان زنان متعددی در مقاطع و زمانهای مختلف با وی رابطه برقرار می‌کنند. نویسنده این داستان محبوب‌ترین زن شاهزاده را به شکوفه گیلاس تشبیه کرده می‌نویسد:

زیبایی وی را اگر به شکوفه گیلاس هم تشبیه کنم، کم است.

این زن به قدری زیباست که شکوفه گیلاس نیز به پای وی نمی‌رسد. یعنی نویسنده بهترین ستایش را نسبت به زن مذکور به عمل آورده است.

تشبیه اوج — مخصوصاً اوج زیبایی و طراوت — به شکوفه گیلاس را نه تنها در قرون باستانی، بلکه در قرن حاضر نیز می‌توان مشاهده کرد. یوسانو آکیکو<sup>۴</sup> می‌سراید:

۱. Manyōshū: کهن‌ترین مجموعه شعر در قرن هشتم میلادی.

۲. Kokinshū: اولین مجموعه شعر به حکم امپراتور در قرن دهم میلادی.

۳. Genji Monogatari: داستان شاهزاده گنجی. ۴. Yosano Akiko: شاعره نامی، ۱۹۴۲-۱۸۷۸.

شب مهتابی ست و انبوه شکوفه گیلاس  
برای رفتن به کیومیزو<sup>۱</sup> از گیون<sup>۲</sup> عبور می‌کنم  
هر که به من برمی‌خورد زیباست.

زیبایی و طراوت شکوفه گیلاس زیر مهتاب چند برابر شده فضا را پر کرده است. همه  
از این فضا زیبایی و طراوت را گرفته، زیبا شده‌اند.

می‌یوشی تانسوجی<sup>۳</sup> در شعری تحت عنوان «روی سنگفرش‌ها»، یک روز آرام  
بهاری را چنین توصیف می‌کند:

آه، گلبرگها می‌ریزند  
به روی دختران زیبا، گلبرگها می‌ریزند  
دختران با صدای آرام  
در حال صحبتند و قدم برمی‌دارند  
صدای قدمهای دل‌انگیزشان  
در آسمان طنین می‌افکند.  
گهگاه چشمانشان برمی‌دارند نگاه  
از روز آفتابی بهاری

که در معبد مقدس جاری‌ست  
و می‌گذرند

بام سقائین معبد، سبزه و باطراوت  
زیر سایبان، ناقوسها  
ساکت و آرام  
و من تنها

قدم برمی‌دارم روی سنگفرشها

در شعر فوق، گلبرگها با بادی ملایم روی دختران جوان و زیبا می‌ریزند. گلبرگها و  
دختران هر دو لطیفند. در صحن معبد همه چیز در آرامش به سر می‌برد و هیچ رنگ و  
بوی زنده‌ای خواننده را آزار نمی‌دهد. اوج آرامش این محیط را فرا گرفته است. امروز  
زیباترین روز بهار است.

**ب: شکوفه گیلاس — سببل ناپایداری و گذرا بودن این دنیا**

گلها هر چه قدر هم زیبا باشند، با باد یا بارندگی به آسانی زیبایی خود را از دست

۱. Kiyomizu: اسم محلی در شهر کیوتو که به داشتن درختان متعدد گیلاس معروف است.

۲. گیون: Miyoshi Tatsuji: شاعر، ۱۹۶۴-۱۹۰۰.

۳. Gion: اسم محلی در شهر کیوتو.

می دهند. بخصوص شکوفه گیلاس با آن همه شکوفایی بسیار سریع پژمرد می شود. از این جهت شکوفه گیلاس را به عنوان سمبل ناپایداری و گذرا بودن امور دنیوی نیز می دانستند و آثار ادبی متعددی با این تعبیر توسط شعرا و نویسندگان ساخته شده است. در «کوکینشو»<sup>۱</sup> آمده است:

(۱) دریغا که زیبایی من رفت

وقتی به پوچی فکر می کردم

مثل این شکوفه هایی که زیر باران طولانی

رنگ و رو از دست داده اند

اونو-نو-کوماچی<sup>۲</sup>

(۲) شکوفه گیلاس به عمر فانی انسان شبیه است

بعد از باز شدن

در یک چشم به هم زدن پرپر می شود

شاعر گمنام

(۳) امسال هم همانند سالهای گذشته

درخت گیلاس به گل نشست

اما سالخوردهگان را چه شد.

کی-نو-تومونوری<sup>۳</sup>

در شعرهای فوق، شعرا، کوتاهی عمر انسان را به شکوفه گیلاس تشبیه می کنند. طولی نمی کشد که شکوفه پرپر می شود. عمر انسان نیز چنین است. یا از شکوفه گیلاس هم بدتر. چون امسال نیز شکوفه را می بینم، اما امکان دیدن شخص فوت شده نیست. در مقابل زمان بی پایان، انسان و تمام موجودات این دنیا ناتوان هستند. این اندیشه یکی از قوی ترین مایه اصلی ادبیات ژاپن قبل از معاصر محسوب می شود.

تشبیه کردن کوتاهی عمر انسان به شکوفه، در افسانه ای کهن نیز آمده است:

بعد از به عمل آوردن مجمع الجزایر ژاپن، خدایان یکی از فرزندان خود را برای حکومت به ژاپن فرستادند. روزی این فرزند خدا در حین گردش به دختری زیبا برخورد. فرزند خدا از پدر دختر او را خواستگاری کرد. پدر دختر قبول کرد و به عنوان جهیزیه هدایایی بسیار همراه با خواهر بزرگ دختر فرستاد. خواهر بزرگ

1. Kokinshū

۲. Ono-no-Komachi: شاعره صدۀ نهم میلادی. می گویند بسیار زیبا بود.

۳. Ki-no-Tomonori: شاعر. با سه شاعر دیگر در تدوین «کوکینشو» دست داشت.

دختر، برخلاف خود دختر زشت بود و فرزند خدا از تنفر، خواهر بزرگ را پس فرستاد. پدر دختر افسوس خورد و پیغامی برای فرزند خدا فرستاد: «دختر بزرگ من ای واناگا<sup>۱</sup> زشت‌رو است. اما در عوض همانطوری که از نامش پیداست<sup>۲</sup>، مثل صخره محکم است. من آرزو داشتم عمر فرزندان شما با داشتن ای واناگا مثل یک صخره استوار و جاوید باشد. دختر کوچک من کونو هاناساکویا<sup>۳</sup> زیباست. زیبایی‌اش از اسمش پیداست: یعنی دختر شکوفه درخت. اما وی مثل شکوفه ناپایدار است. می‌خواستم داماد من هم زیبایی را هم پایداری را داشته باشد. اما افسوس که ای واناگا را پس فرستادید.» و از اینجا است که عمر فرزندان خدا، یعنی خاندان امپراطور کوتاه شده است.

متن فوق از کتاب «کوجیکی»<sup>۴</sup> که به معنی یادداشت زمان قدیم و درباره تاریخ خاندان امپراطور می‌باشد آورده شده است. از اینکه خاندان امپراطور ادعا داشتند نسب این سلسله به خدایان می‌رسد، مورخان کتاب تاریخ آمیخته با افسانه خدایان را به رشته تحریر درآوردند. کتاب مذکور به سال ۷۱۲ میلادی تدوین گردید. در این متن اشاره شده است که انسان نمی‌تواند زیبایی و جاودانگی را در یک زمان داشته باشد و این سرنوشت انسان است.

### ج: شکوفه گیلاس — سمبل قدرت سحرآمیز

زیبایی و شکوفایی بعد از مدت کوتاهی از بین می‌رود و انسان را متأسف می‌کند. از دیدگاه دیگر می‌توان گفت چون این پدیده‌ها رفتنی‌اند، زیبا و شکوفا به نظر می‌رسند. می‌دانیم شکوفه گیلاسی که به اوج رسیده است، روز بعد می‌ریزد و چون که می‌دانیم این زیبایی با وزش یک باد یا ریزش یک باران پرر می‌شود، الان با اشتیاق تمام به تماشای آن می‌پردازیم.

اوکامو توکانوکو<sup>۵</sup> می‌سراید:

از اینکه شکوفه گیلاس در اوج شکفتن است

من نیز با تمام وجودم آن را تماشا می‌کنم.

1. Iwanaga

۲. iwa به معنی صخره و maga به معنی «دراز» می‌باشد.

3. Kono Hanasakuya

4. Kojiki

۵. Okamoto Kanoko: نویسنده و شاعر، ۱۹۳۹-۱۸۸۸.

در شعر فوق شاعر اشاره می‌کند که تماشای گل می‌بایست با جدیت صورت بگیرد. چون مسئله زندگی در میان است.

وقتی شکوفه گیلاس نماد زندگی باشد، می‌تواند نماد مرگ هم باشد. مردم ژاپن در دوران قدیم بر این باور بودند: شکوفه‌ای که به‌اوج رسیده است، روح انسان را می‌گیرد. مخصوصاً موقع ریزش گلبرگها روح آدم را با خود می‌برد. از اینجاست که از درخت پرشکوفه گیلاس قدرتی سحرآمیز احساس می‌کردند.

در «مانیوشو» آمده است:

زندگی چه کوتاه است!

روزی زیر ریزش شکوفه متعدد گیلاس

خواهم مرد.

او تومو-نو-یا کاموچی<sup>۲</sup>

کسانی هم بودند که در موقع ریزش شکوفه گیلاس آرزوی مردن می‌کردند. سایگیو<sup>۳</sup> یکی از آنها بود. وی می‌سراید:

آرزو دارم، بهار

زیر شکوفه گیلاس و نور کامل ماه دوم<sup>۴</sup>

از دنیا بروم.

از سایگیو چنین شعری نیز مانده است:

مراهم با خود ببر

ای شکوفه گیلاس

چون از این دنیا بیزارم.

این عظمت و شکوفایی‌ای که شکوفه گیلاس دارد در ظرف مدت کوتاهی باید از بین برود. مردم ژاپن در شکوفه گیلاس دو موضوع ظاهراً متضاد - مرگ و زندگی - را می‌دیدند و می‌بینند. مثال را از ادبیات معاصر ژاپن نیز می‌توان آورد:

#### 1. Manyôshû

۲. Ôtomo-no-Yakamochi: سیاستمدار و شاعر، ۷۸۵-۷۱۸.

۳. Saigyô: شاعر و کاهن بودایی قرن دوازدهم میلادی.

۴. «ماه دوم» تقویم قدیم مطابق با ماه مارس تقویم فعلی است. به‌روایت آمده است که بودا در نیمه‌ماه دوم دارفانی را بدرود گفت و سایگیو که کاهن بودایی بود، آرزو داشت در همان روز از دنیا برود. آن هم زیر دو چیز زیبا و سحرآمیز. یعنی یکی شکوفه گیلاس و دیگری ماه کامل. مهتاب نیز همانند درخت گیلاس پرشکوفه مورد اعتقاد مردم بود که روح آدم را می‌گیرد و تاییدن مهتاب بر چهره رانحس می‌دانستند.

کاجی ای مویجیرو<sup>۱</sup> در داستانی تحت عنوان «زیر درخت گیلاس» می نویسد:

زیر درخت گیلاس جسدی دفن شده است!

این را می توانی باور کنی. باور نکردنی است که درخت گیلاس آنقدر با عظمت شکوفا می شود، مگر نه؟ این دو سه روز نگران بودم. چون نمی توانستم به آن زیبایی اعتماد کنم. اما بالاخره حالا فهمیدم: زیر درخت گیلاس جسدی دفن شده است. دیگر می توانیم این را باور کنیم.

□

اصولاً شکوفه هر درختی، وقتی به اصطلاح به حالت اوج برسد، به محیط اطرافش نوعی هوای سحرآمیز پراکنده می کند. درست مثل فرقه ای که با سرعت زیاد می چرخد ولی ساکن به نظر می رسد. و یا نواختن ساز توسط استاد چیره دست همیشه همراه با وهم صورت می گیرد. ... این زیبایی سحرآمیز و سرزنده ای است که هیچ دل آدمی نمی تواند تحت تأثیر قرار نگیرد.

□

تو، فکرش را بکن: زیر این درخت گیلاس پرشکوفه تک و توک جسد دفن شده. آن وقت تو می فهمی که من از چه چیز اضطراب داشتم. جسدی مثل اسب، جسدی مثل سنگ و گریه و جسدی مانند انسان. همه اجساد فاسد شده، کرم گذاشته و بیش از حد بو می دهند. با این حال شیرهای چون کریستال همواره ترشح می کنند. ریشه درخت گیلاس مثل هشت پایی حریص اجساد را بغل کرده، تمام ریشه های باریکش را که مانند گل دریایی<sup>۲</sup> است به کار گرفته، ترشحات را بالا می کشد.

در داستان فوق نویسنده اشاره می کند که درخت گیلاس انرژی را از اجساد که زیر ریشه اش قرار گرفته می گیرد و شکوفه می دهد. یعنی از موجود مرده تغذیه می کند و شکوفا می شود. حتی می توان پیام نویسنده داستان «زیر درخت گیلاس» را چنین دریافت کرد: تمام اجساد که زیر درخت گیلاس دفن شده اند قربانی شکوفه گیلاس هستند. این عقیده را یکی از شاخص ترین نویسندگان معاصر ژاپن، تانیزاکی جون ای چیرو<sup>۳</sup> در داستان کوتاهش «خال کوبی» به رشته تحریر درآورده است. استاد خال کوب مدتی است دنبال زنی می گردد که روی پشتش شاهکارترین خال را بکوبد. یک روز استاد خال کوب دختری می یابد که شایسته این کار است.

۱. Kaji Motojirō: نویسنده، ۱۹۳۲-۱۹۰۱.

۲. «گل دریایی»، نوعی جانور دریایی شبیه به گل. (مترجم)

۳. Tanizaki Junichirō: ۱۹۶۵-۱۸۸۶.

استاد خالکوب به دختر یک نقاشی را نشان می‌دهد. نویسنده چنین می‌نویسد:  
عنوان این نقاشی «تغذیه» بود. در وسط نقاشی، یک زن جوان به تنه درخت گیلاس تکیه داده، به چنده اجساد مردانی که زیر پای خود بدون شرمساری افتاده‌اند نگاه می‌کند. گروهی پرنده دور زن در حال پرواز و آواز خواندن هستند و غرور و شادی پنهان‌ناپذیری در چشمان زن لبریز است. آیا این منظره‌ای بعد از جنگ است و یا منظره‌ای از بهار در گلستان؟

خلاصه ادامه داستان از این قرار است:

دختر از دیدن این نقاشی ترس برش می‌دارد و می‌خواهد فرار کند. اما استاد خالکوب دختر را فریب می‌دهد. با داروی بیهوش‌کننده او را بیهوش می‌کند و دست به کار می‌شود. بعد از مدت مدیدی، روی پشت دختر یک عنکبوت نقش می‌بندد. استاد خالکوبی از اینکه کارش به خوبی صورت گرفته راضی است، اما خستگی توصیف‌ناپذیری وجود استاد را فرا گرفته است.

وقتی که دختر بیدار می‌شود، او دیگر دختر معصوم دیروزی نیست. او به موجودی همانند عنکبوت درشتی تبدیل شده است که روی پشتش خالکوبی شده. دختر رو به استاد خالکوبی می‌کند که از تغییر حالت دختر حیرت زده شده است و به نقاشی «تغذیه» اشاره کرده می‌گوید: «استاد، شما اولین نفر هستید که مثل موضوع این نقاشی قربانی من شدید.»

نویسنده در داستان فوق با به تصویر کشیدن نقاشی «تغذیه» که نقاشی عجیبی است، ذهن خواننده را تکان می‌دهد. و درختی که در این منظره قرار دارد، درخت گیلاس است. هیچ درختی غیر از درخت گیلاس جایگزین درخت گیلاس نمی‌شود. چون درخت گیلاس است که نماد مرگ و زندگی است.

## در پایان

شکوفه گیلاس برای مردم ژاپن جایگاه ویژه‌ای دارد و هیچ گلی نمی‌تواند جانشین شکوفه گیلاس شود. نگارنده سعی بر این داشته است تا تمام مختصات شکوفه گیلاس در احساس و اندیشه مردم را در ادبیات ژاپن توضیح دهد. و از این جهت راجع به افکار معروف میهن پرستی در رابطه با شکوفه گیلاس در این مقاله سخنی به میان آورده نشده است.



## منابع و مأخذ

۱. Monyōshū
۲. Kokinshū
۳. Midaregami: مجموعه شعری از Yosano-Akiko
۴. Sokuryōsen: مجموعه شعری از Miyoshi-Tatsuji
۵. Yokushin: مجموعه شعری از Okamoto-Kanoko
۶. Kojiki
۷. Sankashū: مجموعه شعری از Saigyō
۸. Sakura-no-ki-no-Shitaniwa (زیر درخت گیلاس): داستانی از Kaji-Motojirō
۹. Shisei (خال کوبی): داستانی از Tanizaki-Junichirō
۱۰. Genji-Monogatari (داستان شاهزاده گنجی)



رتال جامع علوم انسانی